

ترتیب‌ات امنیتی ناظر بر قفقاز جنوبی (فرصت‌ها و چالش‌های آینده)

عباس جعفری‌نیا^۱

ذکریا کاظم‌پور^{۲*}

سعید مددی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

قفقاز جنوبی به‌عنوان جنوب‌شرقی‌ترین منطقه اروپا، از بعد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک برای اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و سایر کنشگران منطقه‌ای از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد. این منطقه در یکی دو سال اخیر، کانون تحولات مهم امنیتی بوده که تهدیدات و فرصت‌های بالقوه و بالفعلی را برای ج.ا. ایران ایجاد نموده است. لذا پایش تحولات مذکور، شناسایی و تحلیل بازیگران اصلی و پیش‌بینی آینده‌های پیش‌روی منطقه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی سناریوهای ناظر بر ترتیب‌ات امنیتی قفقاز جنوبی با تمرکز بر بحران اوکراین و با روش‌شناسی مرکب آینده‌پژوهی صورت گرفته است. در این راستا ضمن انجام مطالعات اسنادی و بهره‌برداری از دانش ضمنی خبرگان موضوع، تعداد ۷ کنش‌گر اصلی منطقه‌ای و ۳ کنشگر اصلی فرامنطقه‌ای شناسایی و سپس با منطبق ماتریس اثرات متقاطع، تعداد ۱۰ متغیر اولویت‌دار شناسایی شد و سپس در محیط نرم‌افزار میک مک^۴ میزان اثرات مستقیم^۵ و غیرمستقیم^۶ آنها محاسبه گردید و در مرحله نهایی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است از تعداد ۱۰ بازیگر مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان به عنوان عناصر کلیدی و کشور روسیه به عنوان پیشران در معادلات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی ایفای نقش خواهند کرد. در پایان تعداد دو سناریو بر مبنای نوع و نحوه عمل بازیگر پیشران منطقه یعنی روسیه ارائه و ترتیب‌ات امنیتی منطقه براساس آن ترسیم و دربخش پایانی ضمن تشریح فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، توصیه‌هایی برای ج.ا. ایران ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی:

قفقاز جنوبی، روسیه، اوکراین، ترتیب‌ات امنیتی، تحلیل اثرات متقابل، سناریو.

^۱ استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری امنیت ملی، پژوهشگر ارشد پژوهشکده نگاه دو، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: z.kazempour@ut.ac.ir



DOI: 10.22034/DFSR.2023.1987369.1673

¹ MicMac

² MDI: Matrix of Direct Influence

³ MPDI: Matrix of Potential Direct Influence (MPDI)

مقدمه

منطقه قفقاز به دلیل واقع شدن در منطقه حساس و استراتژیک اوراسیا، امروزه به دلایل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، نگاه جهان، قدرت‌ها، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود جلب کرده است و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را بازیافته است به نحوی که امروزه تسلط بر قفقاز به یک مؤلفه قدرت جهانی تبدیل شده است. هریک از این بازیگران با به کارگیری ابزارها و سیاست‌های مختلف و تأثیرگذاری بر ترتیبات امنیتی منطقه، به دنبال اعمال نفوذ در منطقه و پیشبرد اهداف سیاست‌های خارجی خود بوده‌اند (وثوقی و همکارن، ۱۳۹۳).

طی دو سال گذشته، تحولات مهمی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی روی داده که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت قفقاز جنوبی تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از این رویدادها که بر شرایط امنیتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی قفقاز جنوبی تأثیر مستقیم و قابل توجهی داشت، جنگ آذربایجان و ارمنستان بود که منجر به آزادسازی اراضی اشغالی آذربایجان پس از چند دهه شد. این جنگ با حمله آذربایجان به مواضع نیروهای ارمنی در پاییز ۱۳۹۹ آغاز شد و پس از گذشت چند هفته، با مداخله روسیه به پایان رسید و دو طرف با وساطت روسیه، توافق آتش بس را امضاء کردند. نقش مؤثر روسیه در پایان دادن به این جنگ و استقرار هزاران نیروی نظامی روسیه در مرزهای جدید آذربایجان و ارمنستان، باعث تقویت موقعیت روسیه در قفقاز جنوبی شد و سیادت روسیه بر این منطقه هنوز ادامه دارد. روسیه به عنوان وارث شوروی سابق، در پی احیای قدرت از دست رفته شوروی می‌باشد و شرط اصلی و مهم دستیابی به این احیای قدرت، مبدل شدن روسیه به یک قدرت مطلق منطقه‌ای در حوزه اوراسیای مرکزی می‌باشد. اهمیت حوزه خارج نزدیک روسیه از این منظر، به وضوح قابل مشاهده است. روسیه برای خود سه حلقه امنیتی حیاتی قائل است. حلقه اول شامل کلیت کشور روسیه است. حلقه دوم شامل جمهوری‌های خودمختار داخل جغرافیای روسیه مانند جمهوری‌های قفقاز شمالی می‌باشد. حلقه سوم شامل کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، اوکراین و بلاروس می‌باشد (جعفری‌نیا، ۱۴۰۱).

حمله نظامی روسیه به اوکراین در پنجم اسفند ۱۴۰۰ به‌عنوان، یک شوک برونزای ژئوپلیتیکی رویداد دیگری بود که توانست تا حدودی زیادی ترتیبات امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و کنشگری روسیه را در حلقه سوم امنیتی خود تحت‌الشعاع قرار داد. روسیه که برآورد صحیحی از مقاومت ارتش و مردم اوکراین در مقابل حمله ارتش روسیه و همچنین حجم بالای حمایت‌های سیاسی و نظامی غربی‌ها از اوکراین را نداشت و پیش‌بینی تحریم‌های گسترده غرب علیه خود را نکرده بود، به نوعی در باتلاق جنگ اوکراین گرفتار شد و در تصرف

سریع و تغییر حکومت این کشور ناکام ماند. طولانی شدن جنگ اوکراین و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی و تلفات بسیار بالای نیروی انسانی و تجهیزاتی ارتش روسیه، اثربخشی تحریم‌های غرب علیه روسیه را دوچندان نموده و از هم اکنون، آثار تضعیف اقتصادی و نظامی روسیه به واسطه جنگ اوکراین آشکار شده است. از نشانه‌های افول اقتصادی و نظامی روسیه می‌توان به عقب‌نشینی‌های اخیر ارتش روسیه از بسیاری از مواضع خود در خاک اوکراین و همچنین تخلیه نیروهای نظامی روسیه از سوریه و بکارگیری آنها در جبهه اوکراین اشاره نمود (Ranjan, 2022: 2). به نظر می‌رسد که در صورت طولانی شدن جنگ، روسیه مجبور شود تا نیروهای خود در سایر کشورها از جمله نیروهای مستقر در پایگاه نظامی ۱۰۲ گیومری ارمنستان و حتی هزاران نیروی نظامی حافظ صلح خود در قره‌باغ و مرزهای ارمنستان و آذربایجان را نیز فراخوانده و از آنها در جنگ اوکراین استفاده نماید. خروج هزاران نیروی نظامی روسیه از قفقاز جنوبی و همچنین تضعیف قابل توجه اقتصادی، سیاسی و نظامی روسیه به واسطه طولانی شدن جنگ اوکراین، منجر به ایجاد یک خلاء قدرت در قفقاز جنوبی می‌گردد. چنین اتفاقی قطعاً یک فرصت طلایی را در اختیار سایر بازیگران قرار می‌دهد تا اقدام به تقویت حضور و نفوذ خود در قفقاز جنوبی نموده و بدین ترتیب، شاهد تغییرات اساسی در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی خواهیم بود. باز شدن فضا برای افزایش حضور و نفوذ و نقش‌آفرینی ترکیه، رژیم صهیونیستی، چین، ج.ا. ایران، آمریکا و سایرین، و حتی تسریع در پیشروی ناتو به سمت شرق از طریق عضویت ارمنستان و آذربایجان در برهه زمانی تضعیف روسیه در قفقاز جنوبی، از جمله احتمالات متصور می‌باشد (جعفری‌نیا، ۱۴۰۱). هرگونه تغییر در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی می‌تواند تهدیدات و فرصت‌های بالقوه و بالفعلی را برای ج.ا. ایران و سایر بازیگران ایجاد نماید.

در این راستا این پژوهش ضمن بررسی ادبیات موضوع، کنشگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در محیط امنیتی قفقاز جنوبی را شناسایی و دسته‌بندی نموده و سپس بر مبنای میزان نقش‌آفرینی آنان به تدوین سناریوهای ناظر بر ترتیبات امنیتی آتی قفقاز جنوبی پرداخته است و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ج.ا. ایران در قفقاز جنوبی را مورد بررسی قرار داده و پس از جمع‌بندی مطالب، توصیه‌هایی نیز ارائه شده است.

پیشینه

از جمله پژوهش‌های انجام شده در خصوص ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی می‌توان به پژوهش‌های ذیل در قالب دو جدول اشاره نمود:

جدول (۱) پژوهش‌های داخلی انجام شده در حوزه ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی

ردیف	عنوان پژوهش	نتایج	پژوهشگر	سال پژوهش
۱	جنگ اوکراین و چشم‌انداز آتی نظام بین‌الملل	<ul style="list-style-type: none"> - به تبعات ناشی از جنگ اوکراین بر نظام امنیت بین‌الملل پرداخته است. - به فرصت‌ها و تهدیدات بحران اوکراین برای ج.ا. ایران در حوزه‌های مختلف خصوصا در منطقه قفقاز پرداخته شده است. - ایده اتحادیه آسیایی مورد بررسی قرار گرفته است. 	عباس جعفری‌نیا	۱۴۰۱
۲	سیاست ترکیه در مناقشه قره باغ	<ul style="list-style-type: none"> - سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۱۶ به بعد و پس از مداخلات نظامی در سوریه، بعد تهاجمی به خود گرفته است. - ترکیه با ورود به مناقشه قره باغ به دنبال گسترش نفوذ و افزایش قدرت نسبی خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. - دلایل موفقیت ترکیه در پیش گرفتن سیاست تهاجمی در حمایت از آذربایجان در مناقشه قره باغ 	سیامک کاکایی، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی	۱۴۰۰
۳	اولویت‌بندی تهدیدهای ج.ا. ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین تهدیدها در منطقه قفقاز جنوبی - ارائه راهبرد و راهکار در قفقاز جنوبی، - تشریح پویای تهدیدهای اصلی تهدیدزای متوجه ایران در حوزه‌های نظامی و امنیتی و اقتصادی 	فتح‌اله کلاتری، پیمان کاوایانفر	۱۳۹۹
۴	تقابل راهبردهای ج.ا. ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز	<ul style="list-style-type: none"> - تحلیل شرایط و واقعیت‌های منطقه‌ای و مناسبات آشکار کشورها با ج.ا. ایران و همچنین با اسرائیل - تداوم حضور رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی، تقابل آشکاری را در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی رقم زده است که به تناسب بروز و ظهور میزان و سطح همکاری‌ها و خصومت‌های باطنی دولت‌های منطقه، در صورت 	هادی ابراهیمی کیایی، کمال زارعی	۱۳۹۹

ردیف	عنوان پژوهش	نتایج	پژوهشگر	سال پژوهش
		عدم مراقبت دولت‌های حاکم منطقه می‌تواند جرعه یک درگیری را نیز موجب شود		

جدول (۲) پژوهش‌های خارجی انجام شده در حوزه ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی

ردیف	عنوان پژوهش	نتایج	پژوهشگر	سال پژوهش
۱	تجدید نفوذ اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی (Restoring EU influence in the South Caucasus)	- اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی دارای نفوذ گسترده‌ای نسبت به سایر بازیگران نمی‌باشد - شرط صلح پایدار نه فقط پیروزی در جنگ‌ها بلکه اعتمادسازی است. - بر خلاف نقش کم‌رنگ اتحادیه اروپا در صحنه نظامی، در صحنه دیپلماتیک و بین‌المللی این اتحادیه دارای قدرت چانه‌زنی بالایی است.	Stefan Meister	2022
۲	(مناقشه) قره‌باغ در سایه (بحران) اوکراین؛ جنگ روسیه برای ارمنستان و آذربایجان چه معنایی دارد؟ (Nagorno-Karabakh in the Shadow of Ukraine)	- تاثیرات امنیتی بحران اوکراین بر مناقشه قره‌باغ مورد بررسی قرار گرفته است	Thomas de Waal	2022
۳	آذربایجان و ارمنستان: مناقشه قره‌باغ کوهستانی (Azerbaijan and Armenia: The Nagorno-Karabakh Conflict)	- بررسی تاثیرات جنگ ارمنستان و آذربایجان بر منافع ایالات متحده آمریکا - نقش ترکیه در بحران - سناریوهای محتمل در آینده برای چگونگی واکنش آمریکا به روند مناقشه	Cory Welt, Andrew S. Bowen	2021
۴	کار ناتمام در مناقشه ارمنستان و آذربایجان (Unfinished Business in the Armenia-Azerbaijan Conflict)	- مناطق آزاد شده در لاجین و کلبجار توسط آذربایجان دارای وضعیت اقتصادی مناسبی نیستند و به منابع انرژی و دریافت کالا از ارمنستان و قره‌باغ وابسته‌اند. - حضور نهادهای مالی بن‌المللی چون بانک جهانی و بانک توسعه اروپایی برای بازسازی منطقه قفقاز می‌تواند نقش موثری ایفا کنند.	Thomas De Waal	2021
۵	ارزیابی آتش‌بس در قره‌باغ	- روسیه سالیان متمادی از یک توافق	Andrew	2020

ردیف	عنوان پژوهش	نتایج	پژوهشگر	سال پژوهش
	کوهستانی (آرامش در آخر؟) (Peace at last? Assessing the ceasefire in Nagorno- Karabakh)	سازش در موضوع قره‌باغ جلوگیری می‌کرد تا اهرم فشار خود علیه طرفین منازعه را از دست ندهد. - صلح به دست آمده با توجه به این که آذربایجان به بخش قابل توجهی از مناطق اشغالی اش توسط ارمنستان تسلط پیدا کرده است به نظر پایدار می‌رسد.	D'Anieri	
۶	روسیه و غرب هنوز در قره‌باغ به یکدیگر نیاز دارند (Russia and the West Still Need Each Other in Nagorno-Karabakh)	- لزوم توسعه همکاری‌های نهادی - روسیه و غرب از همکاری در موضوع قره باغ هر دو می‌توانند منتفع شوند.	Anna Ohanyan	2020
۷	قره‌باغ کوهستانی: درگیری غیرمنتظره‌ای که ایران را آزمایش و سردرگم می‌کند (Nagorno-Karabakh: An unexpected conflict that tests and perplexes Iran)	- مناقشه قره باغ کماکان می‌تواند به عاملی تهدیدزا برای امنیت ملی ایران تبدیل گردد - از لحاظ ژئوپلیتیکی ایران و ارمنستان در یک مسیر همگرایی قرار دارند	Borzou Daragahi	2020

مؤلفه‌های اصلی و سازنده ترتیبات امنیتی در قفقاز جنوبی

ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی، از دو ستون اصلی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است. به لحاظ ژئوپلیتیک، بحران قره‌باغ و به لحاظ ژئواکونومیک، کربدورهای ترانزیت و انرژی از بیشترین اهمیت برخوردار هستند. هم مسائل ژئوپلیتیک و هم مسائل ژئواکونومیک قفقاز جنوبی، به واسطه جنگ اوکراین و تأثیری که این جنگ در بازآرایی ترجیحات بازیگران منطقه‌ای داشته و معمای امنیتی تحمیل شده بر معادلات و تحولات این منطقه، با عدم قطعیت‌های بسیار پر قدرتی مواجه هستند. این عدم قطعیت، علیرغم پیامدهای امنیتی عدیده‌ای که علیه منافع امنیتی ج.ا. ایران ایجاد می‌کند، فرصت‌های ساختاری ویژه‌ای را نیز برای افزایش نقش‌آفرینی فعال ج.ا. ایران در معادلات و تحولات قفقاز جنوبی ایجاد کرده است (جعفری‌نیا، ۱۴۰۱). از جمله موضوعات مهم و مطرح در زمینه ریشه‌های منازعات و بحران در منطقه قفقاز جنوبی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

➤ چالش‌های ژئوپلیتیکی، اختلافات و رقابت بین کشورهای همسایه ۳+۳ (آذربایجان،

ارمنستان و گرجستان از یک طرف روسیه، ترکیه و ایران از طرف دیگر)

- آثار فروپاشی امپراتوری‌ها و ایجاد بحران هویت پیرامون ایران، اختلاف ارضی بین آذربایجان و ارمنستان منشعب از انقلاب سوسیالیستی شوروی
- مستمر بودن اختلاف‌های قومی و درگیری‌های تاریخی آذربایجان و ارمنستان حتی در زمانی که ایران حاکم منطقه بوده است.
- گسترش اختلافات ارمنی- آذری به ارمنی- ترک؛ اختلاف مسلمان- ارمنی یا مسلمان- مسیحی
- در نهایت ضرورت شناخت صحیح پدیده پان‌ترکیسم (بیگدلی و فرجی راد، ۱۴۰۰: ۱).

در سطح درون منطقه‌ای شالوده‌الگوهای دوستی و دشمنی منطقه را مسائل قومی و جدایی طلبی شکل داده است. کشورهای طرف منازعه برای دستیابی به منابع سیاست خارجی و اقتصادی ترجیح داده‌اند شریک‌های فرامنطقه‌ای را جایگزین تعاملات درون منطقه‌ای بکنند. بنابراین پویش‌های امنیتی و سیاسی منطقه قفقاز به شکل فزاینده‌ای غیرمنطقه‌ای شده و بعد فرامنطقه‌ای پیدا کرده است (کلانتری و کاویانی‌فر، ۱۳۹۹: ۶۳۴).

مؤلفه‌های اصلی و سازنده ترتیبات امنیتی در قفقاز جنوبی به صورت موردی عبارت‌اند از:

- **ضرورت حل و فصل مناقشه میان آذربایجان و ارمنستان و ایجاد یک رژیم اعتماد چندجانبه:** ایجاد و تقویت سازوکارهای اعتمادسازی متقابل در جهت تقویت امنیت و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند راه را بر فرصت‌طلبی قدرت‌های فرا منطقه‌ای مسدود نماید. در این رابطه کشورهای منطقه‌ای و همسایگان منطقه قفقاز نقش اساسی را بر عهده دارند و قدرت‌های فرا منطقه‌ای می‌تواند نقش مکمل را ایفا نماید.
- **توسعه اقتصادی کشورهای منطقه‌ای:** توسعه اقتصادی در این منطقه، نیاز به اجرای سیاست‌های خارجی و داخلی مشترک دارد زیرا قفقاز یک سیستم می‌باشد که اتخاذ هرگونه سیاست در یک واحد می‌تواند بر واحدهای دیگر تأثیر بگذارد. تنها راه تضمین صلح و ثبات منطقه‌ای، بهره‌مند شدن عادلانه تمام کشورهای منطقه و قدرت‌های منطقه‌ای از منافع اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی است.
- **در نظر گرفتن منافع بازیگران عمده توسط کشورهای قفقاز:** در این زمینه کشورهای قفقاز ضمن توجه به منافع تمام بازیگران، برای حفظ صلح و امنیت، باید منطقه را از دخالت‌های خارجی و رقابت‌های نظامی دور نگه دارند.

➤ **توجه بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به منافع یکدیگر:** یکی از موانع اصلی در راه ایجاد ترتیبات امنیتی در قفقاز، تضاد منافع این قدرت‌هاست. لذا برای دستیابی به ساختار امنیتی لازم است منافع آن‌ها توسط دیگر بازیگران در نظر گرفته شود (حیدری، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۰).

تحولات مهم در معادلات امنیتی قفقاز جنوبی پس از حمله اوکراین

پس از جنگ اوکراین، چند تحول مهم در معادلات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی به وقوع پیوست که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف- بازیابی در اولویت‌ها و ترجیحات

پس از وقوع بحران اوکراین آذربایجان پیشنهاد صلحی به ارمنستان ارائه داد که به شدت تحت تأثیر پیامدهای این بحران بوده است. مهم‌ترین بند این پیشنهاد صلح پنج ماده‌ای، شناسایی متقابل تمامیت ارضی طرفین می‌باشد. پس از علنی شدن این پیشنهاد صلح «جنبش مقاومت ارمنستان»، حزب اصلی مخالف دولت ارمنستان تظاهراتی را در میدان فرانسه در مرکز شهر ایروان علیه نخست وزیر ارمنستان و نحوه مذاکره او با باکو برگزار کرد (Huseynov, 2022: 9). در چنین شرایطی، ترکیه به دلیل برآوردی که از محاسبات راهبردی ارمنی‌ها از ضعف نظامی روسیه در اوکراین داشت، ارمنستان را هر چه بیشتر منفعل یافت. در ماه‌های پس از وقوع جنگ اوکراین، چند نشست دیپلماتیک بین مسئولین ترکیه و ارمنستان در ترکیه انجام شده است. پیش‌شرط ترکیه در این ملاقات‌ها برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان، این است که ارمنستان باید اراضی آزاد شده آذربایجان در جنگ پاییز ۱۳۹۹ را به عنوان خاک آذربایجان به رسمیت بشناسد. از سوی دیگر آذربایجان، تحت تأثیر محاسباتی که از بحران اوکراین ناشی می‌شود در تلاش است تا موضوع قره‌باغ را از موضوع بین باکو و ایروان، به موضوعی بین باکو و مسکو تبدیل نماید زیرا کشور آذربایجان شرایط را مناسب می‌بیند که راه‌حلی برای خروج نیروهای حافظ صلح روسیه از آذربایجان و ارمنستان مطرح نماید (Sanchez, 2022: 8).

در سطح راهبردی، جنگ اوکراین موازنه را به‌شدت به نفع آذربایجان تغییر داده و ارمنستان، گزینه‌ای عملیاتی به جز صلح با آذربایجان ندارد و این موضوع، یک عدم قطعیت بسیار کلیدی را ایجاد نموده که دورنمای تحولات آتی قفقاز جنوبی را تحت تأثیر قرار خواهد داد، مبنی بر اینکه احتمال اینکه اعتراضات داخلی ارمنستان، منجر به تغییر دولت در ارمنستان شود بسیار زیاد است؛ اما در سطح ارزیابی ترجیحات، گزینه مطلوب آذربایجان، ترکیه و روسیه، ادامه کار دولت فعلی ارمنستان می‌باشد زیرا این دولت در جنگ با آذربایجان شکست خورده و امضاء کننده توافقنامه‌هایی است که ارمنستان پس از جنگ دوم قره‌باغ پذیرفته است. اگر دولت

تغییر نماید، صحنه بازی قره‌باغ و به تبع آن کل قفقاز جنوبی دچار تغییرات جدی خواهد شد (Geybullayeva, 2022: 16).

ب- به حاشیه رفتن ابتکار دیپلماتیک ۳+۳

تحول مهم دیگر در قفقاز جنوبی، به حاشیه رفتن ابتکار دیپلماتیک ۳+۳ ارائه شده توسط کشور ترکیه می‌باشد که توسط آذربایجان مطرح شد و ج.ا. ایران و روسیه هم از آن استقبال کردند. این ابتکار دیپلماتیک که الگوی غالب برای شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی محسوب می‌شد اکنون کاملاً کمرنگ شده است. گرجستان که حتی در دو نشست قبلی ۳+۳ هم حضور نیافت، به دلیل جنگ اوکراین و موضع حمایتی کاملی که از اوکراین دارد عملاً از این الگو خارج شده است. سایر کشورها هم چندان گام‌های مشترک مورد توافق سایرین را پیگیری نمی‌کنند. فراتر از این الگوی جمعی، آذربایجان اکنون تمایل دارد که مسائل خود در قره‌باغ را به صورت دو جانبه با سایر کشورهای منطقه پیگیری نماید (Kaleji, 2022: 2).

پ- رویدادهای متناقض مرتبط با ج.ا. ایران

در رابطه با ج.ا. ایران، پس از بحران اوکراین تحولات مهم و متناقضی روی داده است. از یک سو، ج.ا. ایران و آذربایجان اخیراً توافقی را امضاء کردند تا ۵۵ کیلومتر کریدور ترانزیتی اتصال دهنده آذربایجان به نخجوان از خاک ج.ا. ایران احداث گردد. این کریدور، یک مسیر جدید جاده‌ای و ریلی در حاشیه رود ارس است که از روستای آق‌بند تا اردوباد نخجوان امتداد خواهد داشت. البته لازم به ذکر است که هنوز سناریوی زنگه‌زور از خاک ارمنستان هم پابرجاست و این مسیر جدید از خاک ج.ا. ایران، هم یک مسیر جایگزین محسوب می‌گردد و هم برای تعدیل مواضع سرسختانه ج.ا. ایران نسبت به انفصال مرزی با ارمنستان کاربرد دارد. از طرفی، در همین دوران پس از بحران، آذربایجان به طور عامدانه و با هدف خشنود نمودن رقبای ج.ا. ایران، علناً ج.ا. ایران را متهم به حمایت تمام‌قد از نیروهای ارمنی در جنگ دوم قره‌باغ نمود. اساساً یک طرح کنترل شده از تشدید تنش بین باکو و تهران از طرف مقامات آذربایجان در جریان است و حتی وزیر خارجه سابق آذربایجان نیز در نشست منافقین حضور یافت.

ت- افزایش جایگاه ژئواستراتژیک جنوب قفقاز در معادلات کریدورهای شرقی غربی

جنبه دیگر موضوع، افزایش جایگاه ژئواستراتژیک جنوب قفقاز در معادلات کریدورهای شرقی غربی به سمت اروپا، به دلیل بحران اوکراین و کمرنگ شدن مسیر اوکراین می‌باشد. به دلیل تحریم‌های شدید علیه کشتیرانی روسیه و تحریم بنادر روسیه و همچنین تحریم خط آهن شرق به غرب روسیه، اهمیت دالان میانی در معادلات کریدورهای شرق به غرب، به طور فوق‌العاده‌ای افزایش یافته است. دالان میانی از چین شروع شده و پس از عبور از بندر اوکتائو

در قزاقستان، به باکو و سپس به گرجستان ادامه مسیر داده و در نهایت به اروپا منتهی می‌گردد. اکنون آذربایجان و گرجستان در حال تقویت زیرساخت‌های ریلی خود در این کریدور هستند و ترکیه هم در حال تقویت اتصالات ریلی خود از گرجستان به ترکیه و بازارهای جنوب اروپا می‌باشد. به عبارتی، ترکیه هم در حال متصل نمودن شبکه راه‌آهن خود به دالان میانی از مسیر ریلی گرجستان به ترکیه می‌باشد. این اقدامات آذربایجان، گرجستان و ترکیه، نگرانی روس‌ها را به شدت افزایش داده است (Avdaliani, 2022: 26).

روش‌شناسی

آینده‌پژوهی دارای روش‌های مختلفی است که عموماً مطالعات آن با ترکیب روش‌ها صورت می‌گیرد. این تحقیق با ترکیب روش‌های مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع^۱ انجام شده است. در دهه گذشته شیوه تحلیل اثرات متقابل در آینده‌پژوهی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده و تحت عنوان تحلیل ساختاری^۲ در پژوهش‌های فراوانی استفاده شده است. (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۴: ۸) پیش‌فرض استفاده از این شیوه تحلیل این است که اکثر وقایع و تحولات به نحوی مرتبط با سایر وقایع و مسائل هستند. روش تحلیل ساختاری بر این سوال بنا نهاده شده است که «آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد؟» (Gordon, 1994: 12). سابقه تحلیل‌های متقابل فراتر از مطالعات حوزه آینده‌پژوهی است و در علوم مختلف می‌توان آن را مشاهده نمود. یکی از باسابقه‌ترین و پرکاربردترین آنها، مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۳ است. این روش در رشته‌ها و حوزه‌های زیادی از جمله طراحی فرآیند، برنامه‌ریزی استراتژیک، مهندسی مسائل، طراحی محصول، مشکلات فنی پیچیده، تصمیم‌گیری مالی-اعتباری، منابع انسانی، تحلیل‌های رقابتی و غیره استفاده می‌شود (Attri, Dev and Sharma, 2013). روش تحلیل ساختاری در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است و به دنبال مشخص کردن متغیرهای کلیدی (آشکار یا پنهان) به منظور دریافت نظرات مشارکت‌کنندگان و ذینفعان در مورد جوانب و رفتارهای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی یک سیستم است. روش تحلیل ساختاری ابزاری برای پیوند عقاید و تفکرات که از طریق ماتریس ارتباط تمامی متغیرهای سیستم، به توصیف و شناسایی سیستم می‌پردازد. توانایی این مدل در شناسایی روابط بین متغیرها و در نهایت

¹ Cross Impact Analysis (CIA)

² Structural Analysis

³ Interpretive Structural Modelling (ISM)

شناسایی متغیرهای کلیدی مؤثر در تکامل سیستم است. (ربانی، ۱۳۹۱: ۲۶۱) به‌طور کلی مراحل انجام تحلیل ساختاری به شرح ذیل است:

- تهیه فهرست متغیرهای مهم که می‌تواند برآمده از نظرات خبرگان یا منابع دیگر باشد.
 - تهیه ماتریس $n \times n$ به تعداد متغیرها (روندها)؛ این ماتریس، ماتریس اثرات مستقیم نامیده می‌شود و در آن هر درایه m_{ij} نمایانگر میزان تأثیر متغیر i بر متغیر j است. این تأثیر معمولاً با عددی در مقیاس صفر تا ۳ مشخص می‌شود که عدد ۰ بیانگر بدون تأثیر، عدد ۱ بیانگر تأثیر ضعیف، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ بیانگر تأثیر زیاد متغیرهای شناسایی شده بر یکدیگر است. از نظر کارشناسان و خبرگان شرکت‌کننده در پژوهش، تأثیر دو متغیر بر یکدیگر احتمالی است به این معنا که ممکن است تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری وجود داشته باشد یا نداشته باشد. (Asan, 2007: 627)

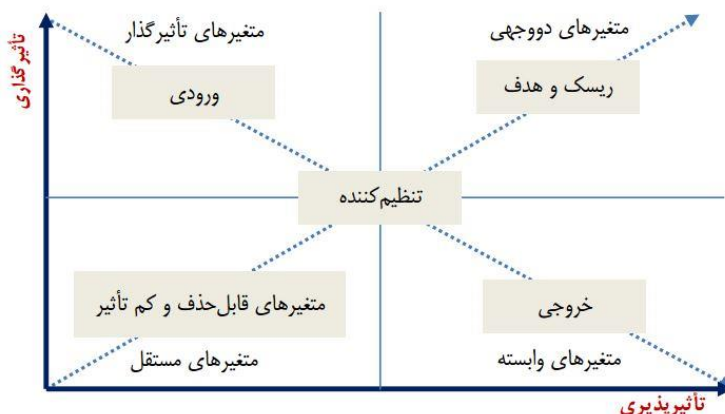
- در این مرحله با استفاده از یکی از دو روش ماتریس اثرات مستقیم یا ماتریس اثرات غیرمستقیم می‌توان میزان تأثیر را مشخص کرد. در روش مستقیم، تأثیر مستقیم متغیر K بر دیگر متغیرها حاصل جمع تمامی مقادیر سطر K از ماتریس M است و تأثیرپذیری متغیر K از سایر متغیرها حاصل جمع مقادیر ستون K است. به این ترتیب رتبه‌بندی برای هر متغیر به‌دست می‌آید و از مرتب‌سازی این مقادیر، اهمیت هر متغیر محاسبه می‌شود. فرمول‌های زیر نشان‌دهنده جبر ریاضی این فرآیند است. (Godet and Durance, 2011: 3)

$$I_K = \sum_{j=1}^n m_{ij} (k = 1, 2, 3, \dots, n)$$

$$D_K = \sum_{i=1}^n m_{ik} (k = 1, 2, 3, \dots, n)$$

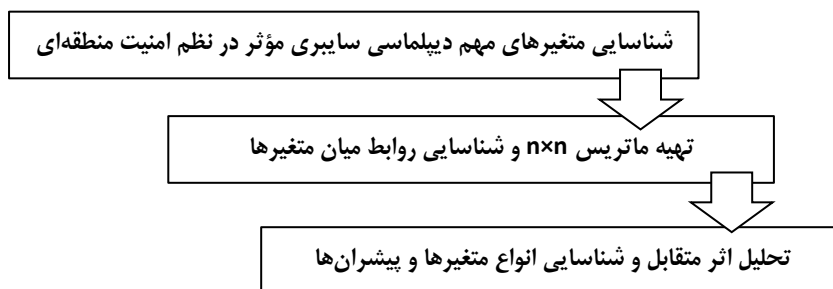
اساس کار برای محاسبه تأثیرات غیرمستقیم، چندین مرتبه ضرب ماتریس در خودش یا به عبارت دیگر، به توان n رساندن ماتریس اثرات مستقیم است. پس از هر مرتبه ضرب ماتریسی، جمع سطری و ستونی اثرات محاسبه و متغیرها رتبه‌بندی می‌شوند. نرم‌افزارهای موجود از جمله نرم‌افزار میک‌مک الگوریتمی را برای تعیین موقعیت هر یک از متغیرها مطابق شکل ۱ روی نقشه‌های اثرات مستقیم و غیرمستقیم دارد. مهم‌ترین نقشه‌های اثرات مستقیم و غیرمستقیم که به تفسیر سریع‌تر و دقیق‌تر نتایج کمک می‌کند، جمع اثرات حاصل از جمع سطری و ستونی را روی دو محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (وابستگی) مکان‌یابی می‌کند. همچنین با نرم‌افزار فضای دو بعدی نقشه، این امکان را فراهم می‌کند که بتوان دربارہ نقش هر

یک از متغیرها قضاوت کرد. به این ترتیب، خروجی نرم افزار نقشه های بصری اولیه ای را ارائه می دهد که پایه و اساس تحلیل ها را تشکیل می دهد (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۴: ۱۶).



شکل (۱) پراکنش انواع متغیرها در محیط نرم افزار میک مک

مراحل کلی تحقیق را می توان در سه مرحله مطابق شکل ۲ خلاصه نمود:



شکل (۲) فرایند کلی انجام تحقیق

در این پژوهش از روش های کتابخانه ای و میدانی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در روش کتابخانه ای از مرور و مطالعه اسناد و مدارک و پژوهش های انجام شده در این حوزه استفاده شده و در روش میدانی از ابزار مصاحبه، گفتگو و پانل خبرگی استفاده شده است. جامعه نمونه پژوهش تعداد ۱۴ نفر و شامل دو دسته از پژوهش گران و کارشناسان در حوزه مسائل امنیتی می شوند که دسته اول شامل نفراتی هستند که دارای تحصیلات آکادمیک در شاخه های علوم سیاسی و روابط بین الملل بوده و حوزه مطالعاتی آنها بر منطقه قفقاز جنوبی

متمرکز است و به عبارت دیگر این دسته شامل نفراتی می‌شوند که بیشتر فعالیت علمی و دانشگاهی دارند و دسته دوم شامل کارشناسانی هستند که به‌عنوان تحلیل‌گر منطقه قفقاز جنوبی بطور عملی با موضوعات و مسائل امنیتی این منطقه درگیر هستند و به عبارت دیگر این دسته شامل نفراتی می‌شوند که دارای فعالیت اجرایی در حوزه قفقاز جنوبی هستند.

نمونه‌گیری پژوهش به شکل هدفمند انجام شده است. در نمونه‌گیری هدفمند، در آغاز پژوهش نیاز نیست که تعداد دقیق افراد آگاهی‌دهنده در گروه نمونه را مشخص کنیم. در این نوع پژوهش اینکه چه کسی را، در چه زمانی و یا در چه مکانی برای پژوهش برگزینیم به ملاک‌های عینی بستگی دارد که با توجه به هدف پژوهش تعیین می‌شود. در واقع نمونه‌برداری هدفمند به همین منظور به کار می‌رود. (هومن، ۱۳۸۸: ۵۷) قلمرو زمانی پژوهش به دلیل عدم قطعیت بالا و سرعت تحولات منطقه‌ای، ۳ سال آتی در نظر گرفته شده است.

مراحل تحقیق

شناسایی بازیگران مهم و تأثیرگذار در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی در این مرحله با بهره‌گیری از روش مصاحبه، پانل خبرگی و مطالعه ادبیات موضوع، تعداد ۷ بازیگر منطقه‌ای و تعداد ۳ بازیگر فرامنطقه‌ای که بیشترین نقش را در ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی ایفا می‌کنند، شناسایی و در تحلیل اثرات متقابل مورد استفاده قرار گرفتند.

الف- بازیگران منطقه‌ای

ارمنستان

پس از جنگ پاییز ۲۰۲۰، ارمنستان بایستی با این واقعیت کنار بیاید که نه‌تنها کشورهای غربی، برخلاف لفاظی‌هایشان، بلکه روسیه نیز ارمنستان را در مناقشات منطقه‌ای به صورت همه‌جانبه حمایت نمی‌کنند و ارمنستان نمی‌تواند بر پشتیبانی این کشورها حساب کند. پس از جنگ مذکور، نه‌تنها فهم ارمنستان از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی‌اش دستخوش دگرگونی شده است بلکه ثبات داخلی حکومت این کشور نیز دچار تزلزل شده است. موج مهاجران از قره‌باغ و استان‌های مجاور، به همراه تلفات انسانی این منازعات در ارمنستان یک سری چالش‌های جدیدی ایجاد کرده است. این کشور از لحاظ اقتصادی تضعیف گشته است و نقش آفرینی‌اش به‌عنوان بازیگر اصلی به‌شدت تحت‌الشعاع قرار گرفته است (Meister, 2021: 36). بطور کلی منافع ملی ارمنستان در منطقه قفقاز عبارتند از:

- ۱- حرکت به سمت برقراری کامل صلح در بحران قره‌باغ؛
- ۲- کاهش خطرات و تهدیدات از جانب ترکیه و آذربایجان
- ۳- خروج از انزوا و ایجاد توازن در سیاست خارجی

۴- رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

آذربایجان

وجود ذخایر منابع طبیعی در منطقه قفقاز جنوبی از مهم‌ترین دلایل توجه بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به این حوزه است. یکی از مهم‌ترین نتایج بحران اخیر در قفقاز جنوبی برای کشور آذربایجان، افزایش نقش راهبردی این کشور به واسطه خطوط انتقال انرژی نفت و گاز برای غرب بود. اقدامات روسیه در استفاده سیاسی از انرژی که از قبل نیز مسبوق به سابقه بوده است، غرب را به این نتیجه رسانید که باید سرمایه‌گذاری بیشتری روی آذربایجان بنماید. آذربایجان نیز از این فرصت برای افزایش توان نظامی و خرید تسلیحات موردنیاز خود بهره‌برداری کرد. در همین چارچوب در روابط و همکاری‌های دوطرفه بین ترکیه و جمهوری آذربایجان و همچنین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان خیز سیاسی- نظامی فراوانی مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد این روابط قدم به مرحله نوینی گذاشته است که همکاری و خرید تسلیحاتی گسترده جمهوری آذربایجان از این رژیم این احتمال را تقویت می‌کند. به‌طور کلی راهبرد آذربایجان در منطقه قفقاز بدین صورت است:

۱. تقویت و تعمیق استقلال از سلطه روسیه
۲. استخراج و صدور منافع انرژی و حل معضلات اقتصادی
۳. حل‌وفصل مطلوب بحران قره‌باغ و دستیابی به تمامیت ارضی
۴. کاهش بحران در روابط با روسیه
۵. کاهش بحران در روابط با ارمنستان
۶. تلاش برای پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا
۷. تقویت روابط راهبردی با ترکیه و رژیم صهیونیستی (رستمی، رضانی، آور، ۱۳۹۶: ۱۷).

روسیه

روسیه در چارچوب گفتمان اوراسیایی و خارج نزدیک همواره منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را متغیر کلیدی در رویکرد امنیتی خود انگاشته است. روسیه از جمله بازیگرانی هستند که نقش برجسته‌ای در شکل دادن بر ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی داشته و در این راستا، بعضاً با تضادها و تعارضاتی نیز با سایر بازیگران اصلی منطقه داشته است (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی- امنیتی روسیه در منطقه، جلوگیری از نفوذ غرب به‌ویژه گسترش ناتو به شرق و کنترل مشترک مرزها و فضای هوایی این کشورها است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه تلاش کرد تا نیروهای نظامی مستقر در پایگاه‌های مختلف در این

جمهوری‌ها را تحت عنوان نیروهای نظامی مشترک در چارچوب اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS^۱) حفظ کند. وجود این نیروها و حفظ پایگاه‌های نظامی این کشور در خاک دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز، نقش مهمی در تداوم نفوذ کرملین و تأمین منافع کشور روسیه دارد. روسیه با استفاده از قدرت برتر نظامی و عوامل امنیتی خود، برخی از دولت‌های منطقه را که تمایل به لحاظ کردن منافع این کشور در سیاست‌های خود ندارند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف مجبور به تغییر سیاست می‌کند. روسیه به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای منافع و ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی بنیادین در قفقاز دارد (کاکایی، دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰؛ ۱۱۸).

ترکیه

تلاش ترکیه در اتخاذ سیاست تهاجمی در بحران قفقاز جنوبی ناشی از اقتضانات در ساختار قدرت محیطی و بین‌المللی بوده است. یک هدف مهم ترکیه از بیشینه‌سازی قدرت خود در قفقاز جنوبی ایجاد تنگنای استراتژیک برای ارمنستان، با توجه به اختلافات و تنش تاریخی با این کشور بوده است. آنکارا در چهارچوب برنامه منطقه‌ای خود کاتالیزوری برای ورود باکو به جنگ با ارمنستان بوده و از هرگونه اقدام بازدارنده از سوی اروپا، آمریکا و اعضای گروه مینسک^۲ مطمئن بود (کاکایی، دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰؛ ۱۱۷).

بطور کلی اهداف ترکیه برای حضور در مناقشه قره‌باغ را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- ❖ عمق بخشیدن به همکاری راهبردی با جمهوری آذربایجان و تعبیر واقعی ایده یک ملت، دو دولت به‌منظور تقویت ایدئولوژی قوم‌گرایی در قفقاز و آسیای مرکزی
- ❖ گسترش حریم امنیتی در اوراسیا با تقویت متحد نزدیک خود، جمهوری آذربایجان و با هدف تلاش برای ایجاد ترتیبات جدید امنیتی - نظامی در میان کشورهای ترک زبان (کاکایی، دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰؛ ۱۱۹).

داود اوغلو از رهبران برجسته حزب عدالت و توسعه در کتاب عمق استراتژیک خودش، ترکیه را به لحاظ تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی بخش جدانشدنی از قفقاز جنوبی ارزیابی نموده است (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۱۲۹). به نظر می‌رسد ترکیه در سال‌های آتی نیز به دنبال افزایش حضور و نفوذ خود در قفقاز جنوبی خواهد بود و احتمالاً بحران اوکراین نیز فرصت کم‌نظیری را پیش‌روی ترکیه برای دستیابی به اهداف خود در این منطقه قرار دهد. عامل ژئوپلیتیک قفقاز، ترکیه را ناگزیر از اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی در این منطقه نموده است، زیرا موقعیت جغرافیایی

^۱ CIS: Commonwealth of Independent States

^۲ OSCE Minsk Group

جمهوری آذربایجان به عنوان حلقه ارتباطی ترکیه با آسیای مرکزی و مجموعه کشورهای ترک زبان به عنوان عمق راهبردی ترکیه بسیار مهم و کلیدی بوده است. معمای امنیتی که ترکیه در مناطق پیرامونی ترسیم کرده است تنها معطوف به رفع تهدیدها علیه امنیت ملی این کشور از منظری تدافعی نیست بلکه ادامه وضعیتی درگیرانه برای به دست آوردن سهم مؤثر در تصمیم‌سازی‌های آینده است (کاکایی، دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰؛ ۱۱۸).

ج.۱. ایران

ج.۱. ایران به واسطه قرابت سرزمینی و ارتباط تاریخی با هریک از کشورهای منطقه قفقاز و اهمیت امنیت خارج نزدیک خود، حضور مؤثر و با دامنه وسیعی را در منطقه برای خود تعریف نموده است (ابراهیمی کیایی، زارعی، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

اهداف ج.۱. ایران از نقش‌آفرینی در منطقه قفقاز را می‌توان در محورهای دیل بیان نمود:

❖ احیای روابط سنتی با قفقاز با هدف جلوگیری از تهدید زایی منطقه بر علیه امنیت

ملی ایران

❖ تحصیل منافع ایران در دریای خزر و منابع انرژی منطقه؛

❖ بهره‌گیری از موقعیت ارتباطی قفقاز به عنوان مسیر جایگزین ترکیه برای ارتباط با

اروپا؛

❖ برگرداندن مسیرهای انتقال انرژی بر مسیر طبیعی و اقتصادی ایران با هدف تقویت

ثبات و رشد اقتصادی؛

❖ جلوگیری از شکل‌گیری روندهای تحدیدزا توسط آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی در

قفقاز

اهمیت قفقاز در سیاست خارجی ج.۱. ایران در سه سطح قابل انعکاس است:

۱. روابط دوجانبه: ایران بر اساس سیاست همسایگی با سه کشور قفقاز جنوبی به دنبال

افزایش و تقویت روابط است. اگرچه هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان دارای مرزهای زمینی با

ج.۱. ایران هستند، آذربایجان کشوری با جمعیت شیعه با مرزهای مشترک زمینی و دریایی

گسترده دارای اهمیت گسترده‌تری است.

۲. روابط منطقه‌ای: روابط ایران با سه کشور قفقاز جنوبی تحت تأثیر رقابت منطقه‌ای قرار

می‌گیرد. رقابتی که عمدتاً بر امنیت و منافع کشورهای همسایه‌اش اثرگذار است. علاوه بر

اهمیت روابط دوجانبه، یک سری از مسائل در سطح منطقه‌ای شکل‌دهنده ماهیت این

رقابتند که شامل دین و مذهب، نژاد، بحران‌های منطقه‌ای چون ناگورنو - قره‌باغ، اوستیا،

آبخازیا و چچن، رژیم حقوقی دریای خزر، تجارت، منابع و مسیرهای انتقال انرژی چون نفت و گاز، حمل و نقل و ترانزیت و در نهایت شبکه‌های ارتباطی مخابراتی و برق می‌شود.

۳. سیاست جهانی: قفقاز یکی از پل‌های ارتباطی آسیا به اروپا است. از نظر فرهنگی و تمدنی، دو بازوی متفاوت را منطقه در طرفین خود دارد: مسلمانان و مسیحیان. سیاست خارجی ج. ا. ایران در قبال قفقاز متأثر از این مسئله است. سه رویکرد، آتلانتیک، اوراسیا و اسلام‌گرایی و ائتلاف شکل‌گرفته حول هر یک از این رویکردها اهمیت این سطح را برای ج. ا. ایران برجسته‌تر می‌کند. (Bikdeli, 2020: 3-5)

رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی به واسطه تمایل به تعقیب سیاست‌های خصمانه خود علیه ج. ا. ایران و همچنین گسترش دامنه متحدان و همراهان خود در صحنه بین‌المللی، با استفاده از فرصت نیازمندی‌های مختلف کشورهای منطقه قفقاز، به دنبال توسعه مناسبات و همکاری‌ها و تعاملات خود با هر یک از آنها است. حضور فعال رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز، در قالب برنامه‌هایی همچون تقویت مناسبات نظامی با کشورهای قفقازی، حضور افسران و نیروهای اطلاعاتی این رژیم در قالب همکاری نظامی - آموزشی کشورهای قفقاز با اهداف روشن، از جمله طراحی مباحث جاسوسی، رصد و مشاهده تحولات و تحرکات داخلی ایران و تأسیس و تکمیل پایگاه‌های نظامی، بهره‌گیری از فضای هوایی این کشورها جهت اقدامات پهبادی علیه ایران همراه است که این امور در تقابل آشکار با اهداف، منافع و طراحی‌های ج. ا. ایران در سیاست ثبات و اقتدار داخلی و همکاری و تعامل با همسایگان می‌باشد. امری که تداوم آن، شرایط و وضعیت پیچیده‌ای را برای آینده رقم خواهد زد (ابراهیمی کیایی، زارعی، ۱۳۹۹: ۱۴۷). گسترش حضور رژیم صهیونیستی در منطقه پیرامونی ایران به مباحثی همچون گسترش اختلافات منطقه‌ای و مرزی، تشدید مسائل امنیتی، گستراندن اقدامات جاسوسی علیه نظام، ترغیب شعارهای تجزیه‌طلبانه، افزایش نگرش‌های لائیک و یا ترویج مباحث تبشیری و تزلزل در اسلام‌گرایی مردمان کشورهای منطقه و نهایتاً دور شدن این کشورها از گستره همسایگان و هم‌پیمانان منطقه‌ای ج. ا. ایران دامن خواهد زد.

گرجستان

گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز در کانون تنش‌های قومی پس از فروپاشی شوروی قرار دارد. گرجی‌ها در طول تاریخ نشان داده‌اند که آن‌ها همواره با مسکو دارای مشکل بوده و یک نیروی گریز از مرکز محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، در طیف‌هایی از جامعه گرجستان همواره نوعی همسویی با غرب به چشم می‌خورد. واگرایی گرجستان

نسبت به روسیه پس از انقلاب رنگین در گرجستان و به قدرت رسیدن دولت فعلی گرجستان به اوج خود رسید. گرجستان را باید یکی از مهم‌ترین کشورهای واقع در قفقاز جنوبی دانست؛ این کشور از موقعیتی بسیار مهم و تأثیرگذار به لحاظ امنیتی و اقتصادی برخوردار است و شاید بهتر بتوان آن را به‌عنوان نزدیک‌ترین کشور به اتحادیه اروپا دانست، درحالی‌که با همین روند اگر ادامه دهد در چند سال آتی می‌تواند به‌عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا مطرح شود. (راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷: ۱۶۲) اولویت اول تفلیس در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است و به خصوص روابط این کشور با رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا و ناتو می‌باشد.

ب- بازیگران فرامنطقه‌ای

ایالات متحده آمریکا

به‌طور کلی قفقاز جنوبی برای منافع ملی آمریکا در جنبه‌های امنیت انرژی، دسترسی به آسیای مرکزی و حضور در مرزهای ایران و روسیه مورد اهمیت می‌باشد. کشورهای منطقه، روسیه را به‌عنوان یک تهدید امنیتی علیه خود به حساب می‌آورند بنابراین از آمریکا به‌عنوان یک نیروی دوم جهت کنترل روسیه استفاده می‌کنند.

عوامل و فرصت‌هایی که از نظر دولت آمریکا به این منطقه اهمیت می‌بخشند را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی نمود:

الف- فرصت‌های اقتصادی: ملاحظات اقتصادی آمریکا در قفقاز نیز شامل کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس در درازمدت، احداث و اکتشاف حوزه‌های جدید نفت و گاز و خطوط انتقال آن‌ها به بازارهای مصرف و ایجاد بازاری برای کالاهای مصرفی در رقابت با چین و دیگر کشورهای منطقه می‌باشد. (حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

ب- فرصت‌های ژئوپولیتیک: در رابطه با فرصت‌های ژئوپولیتیک دو مسئله مطرح می‌گردد:

- ۱- دسترسی مستقیم به سرزمین، فضای رقبا، مخالفین، اعمال فشار و ایجاد رعب برای آن‌ها نظیر ایران، افغانستان، عراق و روسیه
- ۲- کنترل منابع انرژی قفقاز در کنار خلیج فارس به‌منظور دستیابی به موقعیت هژمونی و شکل دهی به نظام تک قدرتی در جهان

پ- فرصت‌های ژئواستراتژیک

در مورد فرصت‌های ژئواستراتژیکی باید گفت که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان، منطقه قفقاز از نظر نظامی و امنیتی جایگاه خاصی در سیاست آمریکا پیدا کرده است. آمریکا فعالیت‌های ضدتروریستی در منطقه را دنبال کرده و بدین منظور از قفقاز جهت بهره‌برداری ژئواستراتژیک استفاده می‌نماید. به طوری که در این دوره عمدتاً تلاش آمریکا در منطقه، حول همکاری‌های نظامی - امنیتی با دولت‌های درون منطقه می‌گردد. در یک جمع‌بندی کلی، مهم‌ترین عواملی که از نظر دولت آمریکا به این منطقه اهمیت می‌بخشند، عبارت‌اند از:

الف) امکان کنترل روسیه، چین و ایران

ب) اهمیت ژئوپلیتیک منطقه در برنامه دراز مدت آمریکا برای پررنگ کردن حضور خود در بین رقبا

ج) منابع انرژی منطقه؛ کشورهای تولیدکننده نفت در این منطقه به دریای آزاد دسترسی مستقیم ندارند و این امر مانعی در راه رساندن نفت و گاز به سایر مناطق دنیاست که این خود وضعیت سیاسی منطقه را پیچیده‌تر کرده است.

چین

جایگاه قفقاز در محاسبات چین را نباید بدون در نظر گرفتن درگیری، رابطه پکن با غرب، روسیه، ایران و ترکیه در منطقه بررسی کرد. حضور رو به رشد پکن در منطقه باعث شده است تا دولت‌های قفقاز جنوبی به دنبال جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی نزدیک‌تر با چین باشند و این امر باعث شده است تا موقعیت نسبی برخی دیگر از بازیگران منطقه‌ای در قفقاز تغییر کند. این فرایند تا حدی شبیه به توسعه روابط چین در آسیای مرکزی است که فعالیت‌های اقتصادی چین در آن باعث شده است تا چین از آن به‌عنوان اهرمی برای بیرون‌راندن دیگر بازیگران منطقه‌ای سنتی از جمله روسیه استفاده کند. البته چون چین مرز مستقیمی با قفقاز ندارد طبیعی است که همکاری سیاسی‌اش با قفقاز جنوبی نیز بسیار کمتر از نمونه آسیای مرکزی باشد؛ به‌ویژه این‌که هیچ بدیلی برای سازمان همکاری‌های شانگهای^۱ در قفقاز جنوبی وجود ندارد که همانند مکانیسمی برای درگیری بیشتر چین در منطقه عمل کند (Ögütçü, 2015: 4-5). هم مسکو و هم پکن مشتاق‌اند تا غرب و ایالات متحده را بیرون از این منطقه نگاه دارند. بنابراین به نظر می‌رسد رقابت ژئوپلیتیک بین ایالات متحده از یک سو و روسیه و چین از سوی دیگر بر سر نفوذ در این منطقه در دهه‌های آینده خواهد داشت. هرچند که

¹ Shanghai Cooperation Organization

حضور چین در قفقاز جنوبی به آن حدی نرسیده است که دیگر رقباى ژئوپلیتیک منطقه‌ای چین، با قفقاز جنوبی دارند، اما اهمیتش با تعقیب منابع انرژی، و کریدورهای تجاری و حمل و نقل افزایش خواهد یافت و چالش‌های جدی را برای سایر رقبا ایجاد خواهد کرد. برخی دیگر از سطوح مهم دیگری که چین به دنبال تأثیرگذاری در آنها در قفقاز جنوبی است، عبارتند از:

❖ ایجاد مانع قابل اعتماد برای جلوگیری از گسترش نفوذ آمریکا به سمت‌بخش

های غربی چین

❖ ایجاد مانع برای رشد اسلام‌گرایی و تسریع آن به مناطق مسلمان‌نشین چین

❖ حضور و بهره‌گیری اقتصادی از بازارهای منطقه (Ögütçü, 2015: 29, 31)

❖ فرانسه

فرانسه به همراه روسیه و ایالات‌متحده آمریکا، ریاست مشترک گروه کشورهای مینسک را بر عهده دارد، گروهی که تقریباً از سه دهه پیش تاکنون در تلاش است تا راه‌حلی قطعی برای بحران قره‌باغ پیدا کند. مجلس سنای فرانسه، با تصویب قطعنامه‌ای استقلال جمهوری قره‌باغ را به رسمیت شناخته است و نخستین نهاد رسمی در جهان است که این موجودیت را هر چند به صورت نمادین، پذیرفته است. وزارت خارجه این کشور با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرده است که به رسمیت شناختن قره‌باغ از سوی سنا، منعکس‌کننده سیاست رسمی فرانسه نیست. فرانسه چون از موضع ارمنستان بازنده دفاع کرده بود، اکنون خود را از بازی اخراج شده می‌بیند، در حالی که می‌توانست با نقش میانجی که گرفته بود، رسماً موضعی خنثی داشته باشد. جمعیت ارمنی‌تباران فرانسه حدود ۶۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود و شماری از اعضا این اقلیت بزرگ در رده‌های بالای سیاسی کشور فعالیت دارند. اتحادیه اروپا بازیگر اصلی در این منطقه نیست و فرانسه نیز اشتیاق کمی برای درگیری از خود نشان داده است و به نحوی، ابتکار عمل را در اختیار روسیه قرار داده است. اتحادیه اروپا و متعاقباً فرانسه شریک اقتصادی و تجاری سه کشور منطقه قفقاز جنوبی‌اند ولی در سطح امنیتی بازیگری فعال نیستند (Meister, 2022: 13-14).

۴-۲- تهیه ماتریس $n \times n$ و ارزیابی میزان تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر

در این مرحله، ماتریس اثرات متقابل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شناسایی شده تشکیل و میزان اثراگذاری و اثرپذیری متقابل آنها در چهار سطح ۰، ۱، ۲ و ۳ توسط خبرگان موضوع مورد ارزیابی قرار گرفت. میزان تأثیر عدد ۰ به معنی بی‌تأثیر، ۱ به معنی تأثیر کم، ۲ به معنی تأثیر متوسط و ۳ به معنی تأثیر زیاد می‌باشد. نتیجه ماتریس متقاطع در جدول (۳) آورده شده است.

جدول (۳) ماتریس اثرات متقابل بازبگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی

متغیر	روسیه		ترکیه	آذربایجان	ارمنستان	آمریکا	رژیم صهیونیستی	ج.ا. ایران	فرانسه	چین	گرجستان
روسیه	۰	۳	۳		۳	۱	۱	۳	۱	۱	۱
ترکیه	۱	۰	۳		۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱
آذربایجان	۲	۳	۰		۲	۱	۲	۲	۰	۲	۱
ارمنستان	۱	۱	۱		۰	۱	۰	۲	۲	۱	۱
آمریکا	۱	۲	۲		۱	۰	۲	۲	۲	۱	۱
رژیم صهیونیستی	۱	۱	۲		۰	۱	۰	۲	۱	۰	۱
ج.ا. ایران	۱	۲	۲		۲	۱	۲	۰	۰	۱	۰
فرانسه	۱	۱	۱		۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰
چین	۱	۱	۲		۱	۱	۰	۲	۰	۰	۱
گرجستان	۱	۱	۱		۲	۱	۰	۲	۰	۱	۰

تجزیه و تحلیل

تحلیل نتیجه ماتریس اثر متقابل و شناسایی روابط بین متغیرها

تحلیل نتیجه ماتریس اثر متقابل در دو سطح انجام می‌گیرد: تحلیل اثرات متقابل مستقیم و تحلیل اثرات متقابل غیرمستقیم. تحلیل اثرات متقابل مستقیم نحوه اثرگذاری و اثرپذیری متغیرهای موضوع مطالعه را ارزیابی می‌کند به نحوی که پس از محاسبات صورت گرفته، هریک از متغیرها در یکی از نواحی محور مختصات که دارای مفاهیم معنی‌داری هستند قرار می‌گیرند. الف- تحلیل نوع اول: تحلیل اثرات متقابل مستقیم

همان‌طور که در شکل (۳) نشان داده شد، محور افقی نقشه و تحلیل اثرات متقابل مستقیم بالقوه، نشان‌دهنده میزان اثرپذیری یا وابستگی و محور عمودی، نشان‌دهنده میزان اثرگذاری متغیر در کل سیستم می‌باشد. بر مبنای خروجی نقشه و تحلیل اثرات متقابل مستقیم بالقوه، کشورهای روسیه و آمریکا در ناحیه متغیرهای تأثیرگذار، کشورهای آذربایجان و ترکیه در ناحیه متغیرهای دووجهی (ریسک و هدف)، کشورهای ج.ا. ایران و ارمنستان در ناحیه متغیرهای وابسته و کشورهای چین، فرانسه، گرجستان و رژیم صهیونیستی در ناحیه متغیرهای مستقل قرار دارند.

ناحیه یک به متغیرهای راهبردی یا این متغیرهای دووجهی تعلق دارد که بصورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند و در قسمت شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند، در دسترس و قابل کنترل هستند و بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می‌گذارند یعنی شاخص‌های

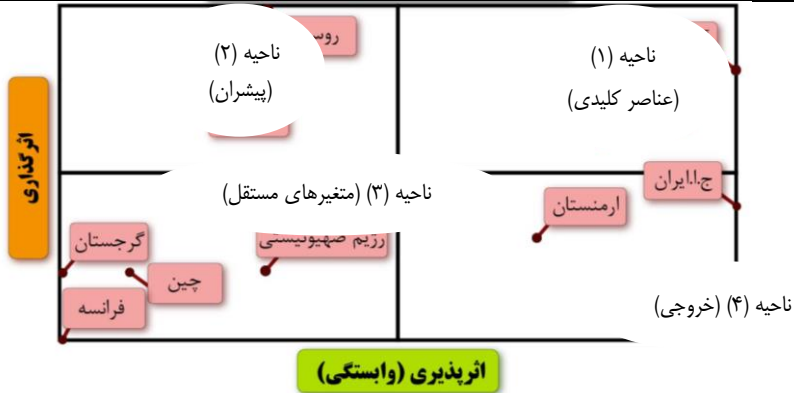
ناپایداری را تشکیل می‌دهند. متغیرهای که بالای خط قطری این ناحیه قرار می‌گیرند، متغیرهای ریسک نامیده می‌شوند متغیرهایی که زیر خط قطری این ناحیه قرار می‌گیرند متغیرهای «هدف» نامیده می‌شوند و نتایج سیستم را به نمایش می‌گذارند. به عبارت دیگر، با دستکاری این متغیرها سیستم تغییرات تکاملی را در پیش خواهد گرفت. با این توصیف متغیرهایی را که تأثیر بالایی دارند، ولی قابل کنترل نیستند، به‌عنوان متغیر راهبردی محسوب نمی‌شوند.

برنامه‌ریزان به‌ندرت قادر به تغییر در متغیرهای قرار گرفته در ناحیه دو هستند. متغیرهای مزبور در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. به‌عنوان بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها، بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند و متغیرهای ورودی محسوب می‌شوند. متغیرهای محیطی عموماً در این قسمت قرار می‌گیرند که توسط سیستم قابل کنترل نیستند.

متغیرهای ناحیه سه شبکه مختصات تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمی‌توانند متغیرهای راهبردی محسوب شوند. آنها در قسمت جنوب‌غربی نمودار قرار می‌گیرند و متغیرهای مستقل و مستثنی نامیده می‌شوند. این متغیرها از سایر متغیرهای سیستم تأثیر نمی‌پذیرند، بر آنها اثر هم ندارند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند.

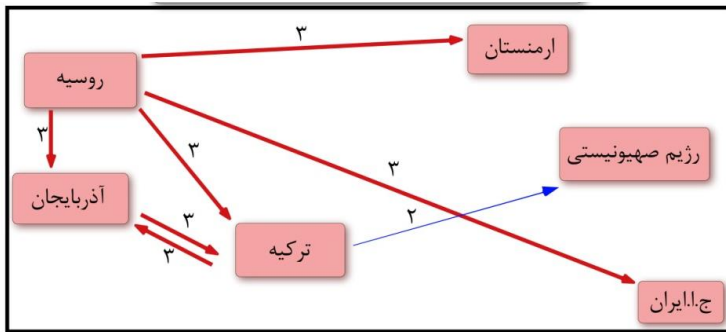
متغیرهای ناحیه چهار نیز به دلیل وابستگی شدید به سایر متغیرها خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر نتیجه سایر متغیرها محسوب می‌شوند. اما متغیرهای ناحیه یک متغیرهای راهبردی هستند، چراکه هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. در واقع هر چه از انتهای ناحیه سه به سمت انتهای ناحیه یک شبکه مختصات نزدیکتر می‌شویم، بر میزان اهمیت و راهبردی بودن متغیر افزوده می‌شود.

از نکاتی که می‌توان در این گراف بدان اشاره کرد عدم نمایش کشورهای آمریکا، چین، گرجستان، و فرانسه می‌باشد که مفهوم آن عدم تأثیرگذاری مستقیم این بازیگران بر ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی است. از نکات قابل توجه در این تحلیل، این نکته مهم است که در منطقه قفقاز جنوبی روسیه اثرگذاری مستقیمی بر نوع و نحوه بازیگری رژیم صهیونیستی نداشته و در این خصوص ترکیه اثرگذاری تقریباً قوی بر کنشگری این رژیم دارد.



شکل (۳) نقشه تحلیل اثرات متقابل مستقیم بالقوه

همان‌طور که در شکل (۴) ترسیم شده، تأثیرات متقابل متغیرها (بازیگران دخیل بر ترتیب‌های امنیتی قفقاز جنوبی) نمایش داده شده است. بر اساس نتایج بدست‌آمده حاصل از محاسبات نرم افزاری، کشور روسیه به‌عنوان بازیگر کلیدی تحولات این منطقه دارای قوی‌ترین اثرگذاری بر نحوه و سطح بازیگری سایر بازیگران بوده و به‌غیر از رژیم صهیونیستی، برای سایر بازیگران دارای اثرگذاری مستقیم می‌باشد. کشورهای ترکیه و جمهوری آذربایجان دارای اثرگذاری متقابل بر یکدیگر بوده و سایر بازیگران صرفاً دارای نقش اثرپذیری از روسیه می‌باشند و اثرات متقابل مستقیمی نسبت به یکدیگر ایفا نمی‌نمایند.

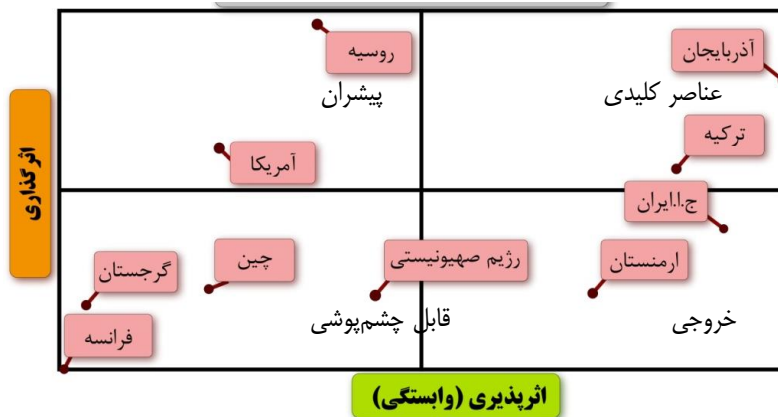


- ضعیف‌ترین تاثیر
- تاثیر ضعیف
- - - - تاثیر میانه
- تاثیر تقریباً قوی
- قوی‌ترین تاثیر

شکل (۴) گراف تحلیل اثرات متقابل مستقیم بالقوه

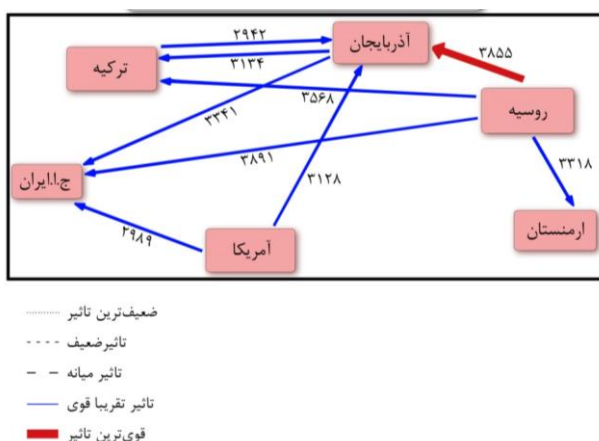
ب- تحلیل نوع دوم: تحلیل اثرات متقابل غیرمستقیم

در شکل (۵) نقشه تحلیل اثرات متقابل غیرمستقیم بالقوه داده شده است.



شکل (۵) نقشه تحلیل اثرات متقابل غیرمستقیم بالقوه

در تحلیل اثرات غیرمستقیم، از جمله تغییرات محسوس پراکنش متغیرها می توان به میل جایگاه ج.ا. ایران از یک بازیگر صرفاً اثرپذیر، به سمت ناحیه (۱) محور مختصات و جابجایی رژیم صهیونیستی از ناحیه (۳) به سمت ناحیه (۴) است. در واقع بر پایه این نوع تحلیل می توان استنباط نمود که در آینده، رژیم صهیونیستی این ظرفیت را خواهد داشت که از یک بازیگر صرفاً «قابل چشم پوشی» به عنوان یکی از بازیگران «مؤثر» در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی مبدل شده و اثرات پررنگ تری ایفا نماید.



شکل (۶) گراف تحلیل اثرات متقابل غیرمستقیم بالقوه

از دیگر تغییرات محسوس این نوع تحلیل می‌توان به حذف شدن رژیم صهیونیستی و اضافه شدن کشور آمریکا اشاره نمود. بر این اساس می‌توان استنباط نمود که در حال حاضر رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه اثرات مستقیمی دارد و به عنوان یکی از بازیگران صحنه امنیتی قفقاز جنوبی محسوب می‌شود اما ایالات متحده علیرغم اینکه حضور و فعالیت مستقیمی در منطقه ندارد اما به‌صورت غیرمستقیم از بازیگران اثرگذار و تعیین‌کننده معادلات امنیتی قفقاز جنوبی محسوب می‌شود.

بر اساس خروجی ماتریس تشکیل شده، کشور روسیه با معدل ۷+ بیشترین اثرگذاری را در معادلات امنیتی قفقاز جنوبی دارد و پیشران تحولات منطقه محسوب می‌شود. پس از روسیه به ترتیب کشورهای آمریکا، گرجستان و چین بیشترین اثرگذاری را در تحولات منطقه دارند. کشور فرانسه در حالت خنثی یعنی با اثرگذاری و اثرپذیری سطح صفر قرار دارد. دربخش کشورهای با شاخص نهایی منفی یعنی کشورهای وابسته و اثرپذیر، ج. ا. ایران با میانگین ۶- به عنوان اثرپذیرترین کشور شناسایی شده و پس از آن، کشورهای ارمنستان، ترکیه، آذربایجان و رژیم صهیونیستی قرار دارند. بنابراین سناریوهای ناظر بر ترتیبات امنیتی منطقه با محوریت کشور روسیه تنظیم و تدوین شود.

بر پایه یکی از سناریوهای محتمل، پیش‌بینی می‌شود که حداقل تا چند سال آینده، جنگ اوکراین بر معادلات امنیتی قفقاز جنوبی سایه سنگینی داشته باشد. فوری‌ترین خروجی راهبردی این جنگ، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در ترتیبات امنیتی جدید منطقه می‌باشد. اگر ثابت شود که روسیه در اعتراضات اخیر ارمنستان نقشی داشته است، می‌توان گفت که تغییر دیدگاه روس‌ها نسبت به جبهه‌بندی جدید در منطقه آغاز شده است. همچنین روس‌ها مفروضات مهمی را در رابطه با تحولات آتی قفقاز جنوبی دارند. یکی این‌که غربی‌ها و به ویژه اروپایی‌ها، سطحی از نقش‌آفرینی و مداخله در قفقاز جنوبی را بیش از گذشته خواهند داشت. پایگاه اصلی فعالیت‌های آنها گرجستان و تا حدودی نیز در آذربایجان خواهد بود و آنها تلاش خواهند نمود که دولت فعلی ارمنستان همچنان در قدرت باقی بماند. ناتو به تدریج یک کمر بند امنیتی غیررسمی را در جغرافیای جنوبی روسیه تا اوکراین ایجاد خواهد نمود. دو بازیگر پیش‌برنده این پروژه مهم نیز ترکیه و رژیم صهیونیستی خواهند بود. روسیه در واکنش به چنین طرحی، به کنشگری ژئوپلیتیکی سنتی خود باز خواهد گشت یعنی تلاش خواهد نمود تا بحران قره‌باغ را مجدداً بازتولید نماید. به احتمال زیاد، روس‌ها تلاش خواهند نمود به راهبرد نه جنگ - نه صلح، با سیادت ژئوپلیتیکی روسیه در قره‌باغ بازگردند. در قالب چنین سناریویی، ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی چیزی شبیه دوره ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۵ خواهد بود که مهم‌ترین ویژگی آن،

افزایش حضور نظامی امنیتی روسیه در این منطقه خواهد بود. با این حال، برآورد آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و حتی ترکیه چنین است که در آینده، شاهد روسیه‌ای ضعیف‌تر در قفقاز جنوبی خواهیم بود. اساساً برآورد باکو، تفلیس و ایروان، ناظر بر کاهش سطح کنشگری آتی روسیه در منطقه می‌باشد و این نگرش باعث شده که ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی، بیشتر به سمت ترجیحات، اولویت‌ها و کنشگری سایر بازیگران منطقه‌ای پیش برود. روسیه نگران تحقق چنین سناریویی است و به طور خاص نگران افزایش بازیگری و نقش‌آفرینی قدرت‌های غربی به واسطه قدرت‌های محلی می‌باشد. در چنین شرایطی، اقدام قابل پیش‌بینی از روسیه این است که هر چه سریعتر تکلیف جبهه‌بندی دوستی - دشمنی کشورهای قفقاز جنوبی را مشخص نماید و بستر چنین اتفاقی هم می‌تواند افزایش اقدامات خرابکارانه و برهم زنده ترتیبات امنیتی و هرگونه توافقات سیاسی منطقه، از سوی روس‌ها باشد. روس‌ها به ویژه در حوزه ترانزیت انرژی، سازشی با سایرین نخواهند داشت و هرگونه خرابکاری و کارشکنی ممکن را در این حوزه انجام خواهند داد.

در سناریوی دوم، خود روس‌ها هم به واسطه ضعف ناشی از تداوم جنگ اوکراین خواهند پذیرفت که به علت هزینه‌های اقتصادی، نظامی و تلفات بالای نیروی انسانی مرتبط با این جنگ، مجبور خواهند شد که مشابه خروج نیروهای روسی از سوریه، از حجم نیروهای نظامی خود در مأموریت صلح‌بانی قره‌باغ و حتی هزاران نیروی نظامی خود در پایگاه ۱۰۲ گیومری ارمنستان کاسته و از این نیروها جهت تقویت جبهه اوکراین استفاده نمایند. به عبارت دیگر، در این سناریو علاوه بر سایر کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی، حتی خود روس‌ها هم می‌پذیرند که قدرت نظامی و امنیتی و میزان تأثیرگذاری آنها بر تحولات قفقاز جنوبی با کاهش مواجه گردد. چنین اتفاقی، به واسطه افزایش شانس بازیگری ترکیه، رژیم صهیونیستی و حتی ناتو، چالش‌هایی را برای ج.ا.ایران ایجاد نمایند و از سوی دیگر، کاهش نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای افزایش سطح بازیگری و تأثیرگذاری ج.ا.ایران در قفقاز جنوبی در رقابت با سایر بازیگران ایجاد نماید.

موضوع فرصت‌طلبی ناتو جهت تسریع در گسترش به شرق از طریق عضویت ناگهانی سه جمهوری قفقاز جنوبی، شاید در نگاه اول غیرمحتمل یا حتی غیرممکن به نظر برسد. اما تصمیم غیرمنظره فنلاند و سوئد جهت عضویت در ناتو و استقبال ناتو از این موضوع نشان می‌دهد که درگیری روسیه در جنگ اوکراین، یک فرصت طلایی را برای ناتو و کشورهای علاقمند به عضویت در این سازمان فراهم نموده تا در اثنای جنگ اوکراین و در شرایطی که گشودن یک

جبهه جدید برای ارتش روسیه تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد، ناتو به سرعت اقدام به عضوگیری جدید نموده و راهبرد توسعه به شرق خود را با سرعت بیشتری محقق نماید.

فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ج.ا. ایران در قفقاز جنوبی

چالش‌ها

با استناد به سناریوی اول یعنی تلاش روسیه جهت حفظ حضور نظامی و تداوم نقش‌آفرینی نظامی امنیتی این کشور در قفقاز جنوبی، به احتمال زیاد شاهد شعله‌ور شدن کانون‌های بحران از جمله اوضاع قره‌باغ توسط روسیه خواهیم بود که به نوبه خود موجب افزایش بی‌ثباتی و ناامنی در مناطق شمال غرب ج.ا. ایران و حتی شاید سرریز شدن این ناامنی‌ها به داخل خواهد شد. چنین اتفاقی با چالش‌های امنیتی و اجتماعی متعددی برای ج.ا. ایران همراه خواهد بود. در همین چارچوب، شیوع بی‌ثباتی و ناامنی در قفقاز جنوبی موجب تحمیل یک ژئوپلیتیک جدید بر ج.ا. ایران خواهد شد که باعث تنگ‌تر شدن فضای ژئوپلیتیک ج.ا. ایران در شمال رود ارس شده و هرگونه ابتکار عمل را از ج.ا. ایران سلب خواهد نمود زیرا تحقق اهداف بازیگران محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به معنای سلب دسترسی ژئوپلیتیک ج.ا. ایران به مناطق شمالی و سلب اهرم‌های راهبردی، ترانزیتی و انرژی از ج.ا. ایران خواهد بود که نتیجه آن، کنار گذاشتن ج.ا. ایران از مناسبات سیاسی، امنیتی و ژئواکونومیک قفقاز جنوبی، کمافی‌السابق خواهد بود.

با استناد به سناریوی دوم یعنی اجبار روسیه به کاهش حضور نظامی امنیتی در قفقاز جنوبی به واسطه ضعف‌های ناشی از تداوم جنگ اوکراین، به احتمال زیاد شاهد افزایش حضور فعال و مخرب سایر بازیگران و به ویژه ترکیه و رژیم صهیونیستی در قفقاز جنوبی خواهیم بود که به نوبه خود با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی و اقتصادی علیه ج.ا. ایران همراه خواهد بود. همچنین در صورت تضعیف قابل توجه نظامی، سیاسی و اقتصادی روسیه به واسطه طولانی شدن جنگ اوکراین، احتمال تسریع در پیشبرد راهبرد توسعه به شرق ناتو از طریق عضویت سریع و غیرمنتظره آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در ناتو نیز متصور است که به نوبه خود، با چالش‌های امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی برای ج.ا. ایران همراه خواهد بود.

فرصت‌ها

ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی، از دو ستون اصلی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است. به لحاظ ژئوپلیتیک، بحران قره‌باغ و به لحاظ ژئواکونومیک، کریدورهای ترانزیت و انرژی از بیشترین اهمیت برخوردار هستند. هم مسائل ژئوپلیتیک و هم مسائل ژئواکونومیک قفقاز جنوبی، به واسطه جنگ اوکراین و تأثیری که این جنگ در بازآرایی ترجیحات بازیگران منطقه

ای داشته و معمای امنیتی تحمیل شده بر معادلات و تحولات این منطقه، با عدم قطعیت‌های بسیار پر قدرتی مواجه هستند. این عدم قطعیت، علیرغم پیامدهای امنیتی عدیده‌ای که علیه منافع امنیتی ج.ا. ایران ایجاد می‌کند، فرصت‌های ساختاری ویژه‌ای را نیز برای افزایش نقش آفرینی فعال ج.ا. ایران در معادلات و تحولات قفقاز جنوبی ایجاد کرده است. تبعات و نتایج جنگ اوکراین در هر سطحی که ادامه یابد، روندهای موجود نشان می‌دهد که بازیگران منطقه ای قفقاز جنوبی، نقش فزاینده‌ای را در شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی آتی این منطقه خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

با مداخله روسیه در جنگ پاییز ۱۳۹۹ بین آذربایجان و ارمنستان و مجبور نمودن این دو کشور به امضای قرارداد آتش‌بس مدنظر روسیه، سیادت نظامی امنیتی روسیه بر قفقاز جنوبی، پس از یک دوره افول، مجدداً احیا شد. با اینحال، طولانی شدن جنگ اوکراین که با حمله روسیه به اوکراین در پنجم اسفند ۱۴۰۰ آغاز شد، منجر به تضعیف اقتصادی، نظامی و سیاسی روسیه شده است. عقب نشینی نیروهای روسی از بسیاری از مواضع خود در خاک اوکراین و تخلیه نیروهای نظامی روسیه از سوریه و اعزام آنها به جبهه اوکراین، مهم‌ترین نشانه‌های تضعیف نظامی و اقتصادی روسیه به واسطه طولانی شدن جنگ اوکراین محسوب می‌شوند. با توجه به شرایط پیش‌آمده، روسیه به تخلیه نیروهای خود از سوریه و بکارگیری آنها در جنگ اوکراین تنها پس از گذشت چهار ماه از جنگ اوکراین، این گمان تقویت می‌شود که در صورت تداوم جنگ اوکراین برای مدت طولانی و تضعیف بیش از پیش بنیه اقتصادی و نظامی روسیه، این کشور در آینده مجبور به تخلیه نیروهای خود از ارمنستان و حتی قره‌باغ و بکارگیری آنها در جنگ اوکراین گردد. در این رابطه، دو احتمال یا سناریوی اصلی متصور می‌باشد.

در سناریوی اول، روسیه تا حد امکان تلاش خواهد نمود تا نیروهای خود را در قفقاز جنوبی حفظ نموده و از طریق اقدامات مخرب، کانون‌های بحرانی در قفقاز جنوبی و از جمله قره‌باغ را مجدداً دچار تنش و بی‌ثباتی نموده و علاوه بر مداخله مجدد در این بحران‌ها با حفظ حداقل نیروی نظامی ممکن، امکان نقش‌آفرینی سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند ج.ا. ایران، ترکیه، آمریکا، رژیم صهیونیستی، ناتو و چین را به حداقل برساند. در سناریوی دوم، روسیه به واسطه ضعف‌های اقتصادی و نظامی ناشی از طولانی شدن جنگ اوکراین در شرایطی قرار می‌گیرد که علاوه بر اجبار به تخلیه تمام نیروهایش از قفقاز جنوبی، قدرت هرگونه بازیگری و نقش آفرینی در قفقاز جنوبی را از دست داده و عرصه تحولات این منطقه را در اختیار سایر بازیگران قرار خواهد داد. چنین اتفاقی منجر به یک خلأ قدرت در قفقاز جنوبی شده و فرصت بازیگری و

نقش‌آفرینی حداکثری را در اختیار سایر بازیگران قرار می‌دهد که به نوبه خود منجر به ایجاد چالش‌ها و فرصت‌هایی برای ج.ا. ایران در این منطقه خواهد شد. حذف روسیه از معادلات قفقاز جنوبی می‌تواند در کنار ایجاد تهدیدات متنوع علیه منافع ج.ا. ایران، فرصت‌هایی را نیز در این منطقه فراهم نماید که در صورت موقعیت‌شناسی ج.ا. ایران و بازاندیشی در سیاست‌های قبلی می‌تواند ج.ا. ایران را به یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه تبدیل نماید. در این راستا ج.ا. ایران می‌تواند با کنار گذاشتن سیاست‌های منفعلانه خود در قفقاز جنوبی و اتخاذ ابتکارات دیپلماتیک و حتی بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، تمدنی و فرهنگی خود، علاوه بر استفاده از نیروهای نظامی ج.ا. ایران در مأموریت صلح‌بانی در قفقاز جنوبی، در طرح‌های اقتصادی، کریدورهای ترانزیتی و پروژه‌های انرژی منطقه نیز مشارکت فعال داشته باشد.

ج.ا. ایران به طور سنتی، سه رویکرد در قفقاز جنوبی داشته است. یک رویکرد امنیتی، یک رویکرد اقتصادی، و همچنین یک رویکرد ایدئولوژیک، تمدنی و فرهنگی. مهم‌ترین چالش ج.ا. ایران، برقراری توازن بین این رویکردها بوده است. روند جدید شامل توسعه نفوذ راهبردی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقیب ج.ا. ایران و تضعیف اتصالات راهبردی ج.ا. ایران با سه جمهوری قفقاز جنوبی می‌باشد. با تداوم جنگ اوکراین به نظر می‌رسد که ج.ا. ایران با چالش‌های جدیدی، ناشی از نقش‌آفرینی نیابتی ترکیه و رژیم صهیونیستی برای ناتو در قفقاز جنوبی مواجه خواهد شد. غرب همچنان از "راهبرد موازنه از راه دور" در قفقاز جنوبی استفاده خواهد نمود. در شرایط کنونی، علاوه بر گرجستان و آذربایجان، بازیگرانی مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی نیز ظرفیت‌های ویژه‌ای را برای غرب در قفقاز جنوبی ایجاد کرده‌اند. در چنین وضعیتی، حذف ج.ا. ایران از معادلات کریدورهای ترانزیتی و انرژی قفقاز جنوبی، حتمی می‌باشد و اجازه بازیگری توان‌ساز در مناقشه قره‌باغ را هم به ج.ا. ایران نخواهند داد. ج.ا. ایران یک گزینه بیشتر ندارد و آن هم، خروج از سیاست سنتی بی‌طرفی خود در قفقاز جنوبی می‌باشد. تا پیش از این، در وضعیت نه جنگ و نه صلح ترتیبات امنیتی بحران قره‌باغ، سیادت روسیه تبعات امنیتی مخاطره‌انگیزی علیه ج.ا. ایران نداشت ولی اکنون، پای بازیگران دیگری در میان است. مهم‌ترین آسیب کنونی متوجه ج.ا. ایران این است که به نظر می‌رسد که ج.ا. ایران رویکرد راهبردی خاصی را در رابطه با قفقاز جنوبی دنبال نمی‌کند. ابتدا باید اولویت‌ها، کارگزاران و مسیرهای پیوندهای راهبردی شناسایی شوند که شامل تلاش جهت مشارکت در معادلات کریدورها و توسعه روابط خارجی با جمهوری‌های قفقاز جنوبی می‌باشد. مسیر اصلی توسعه پیوندهای راهبردی در قفقاز جنوبی، از رهگذر منطق ژئواکونومیکی، تعریف پروژه‌های اقتصادی برد - برد، همراهی با سایر بازیگران به منظور توسعه دالان‌های زمینی و پرهیز از

تحركات ایدئولوژیکی می‌باشد. اصلح است ج. ا. ایران در قفقاز جنوبی به جای پیکار، در پی همکاری با همسایگان باشد. تهران پتانسیل آن را دارد که به کانون گفتگوهای صلح آذربایجان و ارمنستان تبدیل گردد. ج. ا. ایران می‌تواند رایزنی‌های سیاسی با ایروان و مسکو را به‌منظور مساعدت نظامی و مستشاری به ارمنستان (همانند استقرار نیروهای حافظ صلح ج. ا. ایرانی) را مدنظر قرار دهد.

از سویی دیگر در سایه بحران اوکراین، پاره‌ای از چالش‌های احتمالی در قفقاز جنوبی برای ج. ا. ایران، مطرح می‌گردند. از جمله، افزایش تمرکز غرب بر منابع نفتی و خطوط انرژی در دریای خزر و قفقاز جنوبی مانند پروژه ترانس خزر (انتقال گاز ترکمنستان از بستر دریای خزر به باکو و از آنجا به اروپا) که اساساً با هدف انزوای روسیه و ج. ا. ایران طرح‌ریزی شده است. در نگاه اول و با توجه به چالش‌های کنونی منطقه، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی قفقاز جنوبی و از جمله پروژه ترانس خزر، شاید از نظر اقتصادی و امنیتی چندان توجیه‌پذیر به نظر نرسند اما بحران انرژی جهانی و فرسایشی شدن جنگ اوکراین، احیای این خطوط را برای گشایش جبهه جدیدی از سوی غرب علیه روسیه و ج. ا. ایران چندان بعید نمی‌سازد. به عبارتی دیگر، تداوم جنگ اوکراین بانضمام ابهام در نتیجه نهایی مذاکرات احیای برجام که همچنان مانع ورود نفت و گاز ج. ا. ایران به بازارهای جهانی شده است، نیاز غرب به منابع جدید انرژی را مضاعف نموده و می‌تواند غربی‌ها را مصمم به سرمایه‌گذاری در پروژه ترانس خزر نماید. همچنین باید اذعان داشت اگر ج. ا. ایران مایل است که در مبادلات انرژی در سطح بین‌المللی نقشی در خور ایفاء نموده و فرضاً عبور خط لوله گاز ترانس خزر را از قلمرو خود منطبق بر منافع ملی خود تلقی نماید باید مطالبات حداکثری خود را با حضور پررنگ دیپلماسی و حتی حضور نظامی در منطقه قفقاز جنوبی تعریف نموده و در این رهگذر، بی‌تردید باید با ارزیابی هزینه - فایده و جمیع شرایط، مواضع خود را تبیین نماید.

قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه استاتید و خبرنگاران محترم که با همکاری و بذل عنایت در انجام این تحقیق ما را یاری نمودند، کمال امتنان را داریم.

منابع

- ابراهیمی کیاپی، هادی، زارعی، کمال، (۱۳۹۹). تقابل راهبردهای ج. ا. ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره نهم، ۳۲(۶۲): ۱۵۴-۱۲۵.
- بیگدلی، علیرضا، فرجی راد، عبدالرضا، (۱۴۰۰). *بررسی ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک بحران قفقاز و بررسی ملاحظات اروپا و آمریکا، ایران یوریکا*، ۱۴۰۰/۹/۲۴. قابل دسترس در آدرس: <http://www.eurica.ir>
- جعفری‌نیا، عباس (۱۴۰۱). جنگ اوکراین و چشم‌انداز آتی نظام بین‌الملل، *گازنامه آینده بان*، سال دوم، شماره مسلسل ۴۲، پژوهشکده نگاه‌دو.
- حسین زاده، شجاع، عسگر خانی، ابو محمد، میر عباسی، سید باقر. (۱۳۹۷). رویکرد روسیه و ترکیه به ترتیب‌های امنیتی در قفقاز جنوبی، *فصلنامه جامعه‌شناسی* ۱(۴): ۲۳۷-۲۰۹.
- حیدری، غلام حسین، (۱۳۹۰). جایگاه قفقاز در سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه ای، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۳(۷): ۲۴۵-۲۰۷.
- داود اوغلو، احمد، (۱۳۹۱). *عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- راه نجات، میترا، کبیری، حسن، (۱۳۹۷). *عوامل مؤثر بر واگرایی روابط ایران و گرجستان* (۲۰۱۶-۲۰۰۰)، ۷(۱): ۱۳۹-۱۶۶.
- ربانی، طاهرا، ۱۳۹۱، روش تحلیل ساختاری، ابزاری برای شناخت و تحلیل متغیرهای مؤثر بر آینده موضوعات شهری، نخستین همایش ملی آینده‌پژوهی، ۲۶۹-۲۵۹.
- رستمی، محمد، رمضانی، محمد جواد، آور، امین. (۱۳۹۶). بحران‌های امنیتی در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*.
- کاکایی، سیامک، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۴۰۰). سیاست ترکیه در مناقشه قره باغ، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۷(۱۱۵): ۱۲۲-۹۷.
- کلانتری، فتح الله، کاویانفر، پیمان. (۱۳۹۹). اولویت بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۳(۲): ۶۴۴-۶۲۳.
- مولایی، محمدمهدی؛ طالبیان، حامد، ۱۳۹۴، آینده‌پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۶): ۳۲-۵.

- وثوقی، سعید، مرادی فر، سعیده، صفری، عسگر. (۱۳۹۳). تحلیل موضوع‌های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۷(۱): ۱۷۵-۱۹۴.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۸، *راهنمای عملی تدوین پایان‌نامه تحصیلی*، انتشارات پیک فرهنگ، تهران
- Asan, seyda serdar, Umut asan, (2007), *Qualitative cross-impact analysis with time consideration*, Technological forecasting and social change, vol74
- Attri, R. , N. Dev and V. Sharma (2013). "Interpretive Structural Modelling (ISM) approach: An Overview", *Research Journal of Management Sciences*, 2(2), 3-8
- Avdaliani, Emil. (2022). The war in Ukraine overshadows tectonic changes in the South Caucasus, *Trends Research & Advisory*, 27 Jun 2022. Available at:
- Bikdeli, Alireza. (2020). The Islamic Republic of Iran and South Caucasus Security: Nagorno-Karabakh Case, *Institute for Political and International Studies (IPIS)*, August 2020. Available at: <https://www.ipis.ir/en/subjectview/608769/the-islamic-republic-of-iran-and-south-caucasus-security-nagorno-karabakh-case>
- D'Anieri, Andrew. (2020). Peace at last? *Assessing the ceasefire in Nagorno-Karabakh*, Atlantic Council, November 13, 2020. available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/peace-at-last-assessing-the-ceasefire-in-nagorno-karabakh/>
- De Waal, Thomas. (2021). Unfinished Business in the Armenia-Azerbaijan Conflict, *Carnegie Endowment International Peace*, February 11, 2021. Available at:
- De Waal, Thomas. (2022). *Nagorno-Karabakh in the Shadow of Ukraine; What Russia's War Means for Armenia and Azerbaijan*, foreign affairs, May 30, 2022. Available at:
- Geybullayeva, Arzu. (2022). *Armenian and Azerbaijani leaders take tentative steps toward peace*, *Global Voices*, 25 May 2022. Available at: <https://globalvoices.org/2022/05/25/armenian-and-azerbaijani-leaders-take-tentative-steps-toward-peace/>
- Godet, M. and P. Durance (2011). *Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*, Dunod and Unesco
- Gordon, Theodore. (1994), *Trend Impact Analysis*, AC/UNU Millennium project
- Huseynov, Vasif. (2022). Opinion: *Brussels summit has given a new momentum to Armenia-Azerbaijan peace prospects*, common space, April 20, 2022. Available at:

- Kaleji, Vali. (2022). The impact of the war in Ukraine on regional cooperation in the South Caucasus, *Middle East Institute*, June 8, 2022. Available at: <https://www.mei.edu/publications/impact-war-ukraine-regional-cooperation-south-caucasus>
- Meister, Stefan. (2021). *Shifting Geopolitical Realities in the South Caucasus*, *The Stockholm Centre for Eastern European Studies at the Swedish Institute of International Affairs*, SCEEUS Reports on Human Rights and Security in Eastern Europe No. 8.
- Meister, Stefan. (2022). Restoring EU influence in the South Caucasus, German Council on Foreign Relations, January 31, 2022. <https://dgap.org/en/research/publications/restoring-eu-influence-south-caucasus>
- Ögütçü, Mehmet. (2015). China in the South Caucasus: not a critical partnership but still needed, In *'The South Caucasus Between integration and fragmentation'*, EPC & SAM.
- Sanchez, Wilder Alejandro. (2022). Azerbaijan's Delicate Balancing Act amid the Ukraine War, *geopolitical monitor*, May 5, 2022. Available at: <https://www.geopoliticalmonitor.com/azerbaijans-delicate-balancing-act-amid-the-ukraine-war/>
- -Daragahi, Borzou. (2020). Nagorno-Karabakh: An unexpected conflict that tests and perplexes Iran, *Atlantic Council*, November 9, 2020. Available at:
- Ohanyan, Anna. (2020). *Russia and the West Still Need Each Other in Nagorno-Karabakh*, Carnegie Endowment International Peace, November 24, 2020. Available at:
- Ranjan, Rohit. (2022). Russia Begins Withdrawing Troops Stationed In Syria; Likely To Transfer Some To Ukraine, *Republic World*, May 8, 2022. Available at: <https://www.republicworld.com/world-news/russia-ukraine-crisis/russia-begins-withdrawing-troops-stationed-in-syria-likely-to-transfer-some-to-ukraine-articleshow.html>
- Welt, Cory, Bowen, Andrew S. (2021). Azerbaijan and Armenia: The Nagorno-Karabakh Conflict, *congressional research service*.